

### یادداشت دانشجویی

# حراج به علت تغییر شغل!

محمد زندی

بلای خانمان سوز «اعتیاد» غریبه و آشنا نمی‌شناسد و تر و خشک را با هم می‌سوزاند. معتاد جماعت برای لحظه‌ای لذت، تمام هستی‌اش، از فرش زیر پایش گرفته تا حتی همسر و فرزندانش را به حراج می‌گذارد!اعتیاد اما تنها به مواد مخدر نیست که در نگاه نخست، آذنان بدان جلب می‌شود. اعتیاد به دنیا هم از انواع افیون‌هاست که چه‌بسا خطرناکتر از اعتیاد به مخدرات باشد.

اعتیاد به مادیات اما مدفعی نیست بلکه تدریجی است و انسان را آرام‌آرام در باتلاق دنیاپرستی فرو می‌برد! «قارون» پیرو موسی(ع) بود، اما به تدریج گنجینه‌اش افسانه‌ای شد. «زبیر» سیفالاسلام بود، اما کم‌کم علیه علی(ع) شد. «ابن‌ملجم» حافظ کل قرآن بود، اما اندک‌اندک قاتل امام اول شد.«شمر» جانباز صغین بود، اما به‌آرامی قاتل امام سوم شد. در معاصر نیز «قائم مقام امام‌(ره)» پس از مدتی «شیخ سادلوج» خطاب گردید؛ یا «نخست وزیر امام‌(ره)» نرم‌ترکم یکی از «سران فتنه» شد؛ و نهایتاً «شبیخته خدمت دهه ۶۰» ذره‌ذره «تشنه قدرت دهه ۹۰» لقب گرفت!

رهبری انقلاب در همین رابطه، بی‌بیانی نغز دارند: «خیلی از شماها از اوایل انقلاب در میدان فعالیت‌های انقلابی بوده‌اید، یعنی دهه ۶۰ را به خوبی درک کرده‌اید. آیا یادتان هست احساسات و رفتار خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست بی‌اعتنایی به مال و اهتمام به خدمت را که در آن دهه داشتید؟ پادمان می‌رود؛ این اشکال کار است. یکی از بلاهای ما تدریج است، یعنی به‌تدریج دچار یک حالتی می‌شویم اما نمی‌فهمیم. ما سقوط و مقبوض خودمان را که تدریجی است، درست نمی‌فهمیم. اگر دیدید که یک عمل خیری را در دهه ۶۰ یا ۷۰ انجام می‌دادید، حالا که دهه ۹۰ است، آن را انجام نمی‌دهید یا راحت ندارید، یا عملی خلاف بود، یک حرامی بود که آن وقت مقید بودید انجام ندهید، حالا راحت و بی‌دغدغه انجام می‌دهید، بفهمید که عقب رفته‌اید. عزیزان من! از هرجا که هستید – قوای مجریه، مقننه، قضائیه یا جاهای دیگر – همه در این جهت یکسانید و یکسانیم و ما در جمهوری اسلامی احتیاج داریم به تعمیر قلب خودمان.»
«بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و مدیران نظام – ۲۰ فروردین ۱۳۹۷»

بسیار گفته‌اند و شنیده‌ایم که «الناس علی دین ملوکهم» لذا به تاسی از این فرمایش بیره نیست که مردم دهه ۹۰ نیز متفاوت از ملت دهه ۶۰ باشند چراکه سردمداران‌شان – بعضاً منتخبند تا منصب – نیز تغییر کرده‌اند و طی این سالیان، از این رو به آن رو شده‌اند! دهه ۶۰ تاکنون خیلی چیزها تعویض شد. قناعت رفت و استقراض خارجی آمد. تعاون رفت و شسکاف طبقاتی آمد. عدالت آموزشی رفت و کتنگور آزمایشی آمد. درمانگاه خیریه رفت و بیمارستان خصوصی آمد. نلبن آزیارگی رفت و تورهای خارجی آمد. دورهمی رفت و صفحات موبایل و ماهواره آمد.

صدای چرخ‌های توسعه چنان کر‌کننده بود که صدابه‌صدا نمی‌رسید؛ و اینچنین بود که سبک زندگی عوض شد، انگیزه‌ها تغییر کرد؛ غلب غرب شد، قلبه آمال، پدر شد تراکتور. مادر شد کارمند. فرزند شد بلا طلاق شد ژست. حیاط شد شاد. حوض شد وان. سادگی شد فشین. یک خانه شد چند ویلا. یک خودرو شد چند شاسی‌بلند.

لایف استایل که تغییر کرد، دیگر دشمنی در کار نبود و نیست! اصولاً چرا باید مرگ بر آمریکا گفت، درحالی‌که منزل من از هر آمریکایی، آمریکایی‌تر است؟ چرا باید از فلسطین حمایت کرد، درحالی‌که نتانیاهو نگران شلوار جین من است؟ چرا نباید بانوان وارد ورزشگاه شوند، درحالی‌که استنفوردبرنج ملو از زن است؟ چرا نباید حجاب، اختیاری باشد، درحالی‌که هشتگ آزادی یواشکی، ترند توئیتر است؟ چرا قرآن و قانون مجازات اسلامی از قصاص می‌گویند، درحالی‌که معایر حقوق به اصطلاح بنشر است؟ چرا باید انرژی هسته‌ای داشته باشیم؟ چرا باید موکب و بنیه دفاعی داشته باشیم؟ چرا باید در سوریه و عراق باشیم؟ چرا نباید FATF و سند ۲۰۳ و کنوانسیون پالرمو داشته باشیم؟

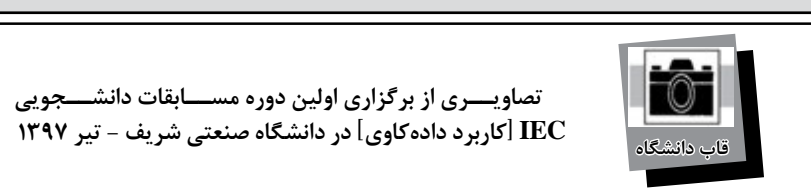
اگر همه را بفروشیم، مشکلاتمان حل می‌شود؟ بشتابید که خوب حراج زدیم؛ می‌فروشیم یکا می‌فروشیم دوا می‌فروشیم سها!

انرژی هسته‌ای فروخته شد به قیمت ورژن نخست برجام! تعلیم و تربیت معامله شد به بهای سند ۱۲۰۳۰ نظام پولی و مالی فروخته شد به قیمت FATF نفت و گاز معامله شد به بهای قراردادهای IPCC کشاورزی فروخته شد به قیمت واردات تراربخشا محیط‌زیست معامله شد به بهای معاهده اقلیمی پاریس! فضای مجازی فروخته شد به قیمت رونق تلگرام! خاک جزیره هرمز معامله شد به بهای آبادانی جیمرا بیج دویی! امنیت فروخته شد به قیمت کنوانسیون پالرمو! تاون موشکی معامله شد به بهای ورژن دوم برجام! جبهه مقاومت اسلامی فروخته شد به قیمت ورژن سوم برجام!

خب دیگر حراج به پایان رسید و در چننه هیچ چیز باقی نمانده و مانند کف دست، صاف و پاک است!

حال دغدغه این استست که آیا داریبی‌مان را به قیمت معامله کردیم؟ آیا خریدار بَزْخْری نکرده است؟! آیا این حجم از فروختنی‌ها، چرخ کارخانه‌ها را می‌چرخاند؟! لشکر بیکاران را شاغل می‌کند؟! بریزگردهای خوزستان را از بین می‌برد؟! دریاچه ارومیه را سیراب یا هامون و جازموریان را تَراب می‌کند؟! مشکل آب خوردن مردم را حل می‌کند؟! قیمت ارز و سکه را تعدیل می‌کند؟! اجاره بها و قیمت مسکن را کاهش می‌دهد؟! عزت را به پاسپورت ایرانی برمی‌گرداند؟! دیگر کسی یک ایرانی را تهدید نمی‌کند؟! قلب را کتور اراک را از بتن، پاک می‌کند؟! پدران علیرضا و ارمیتا را دوباره زنده می‌کند؟! محسن حججی را به آغوش خانواده بازمی‌گرداند؟! مانع از ورود داعشی‌ها به راهروهای پهارستان می‌شود؟! باری همانطور که در ابتدا نیز اشاره رفت؛ اعتیاد، احتیاج افسارگسیخته می‌آورد، عقل را زایل می‌کند و برای لحظه‌ای هوس، همه چیز آدمی را بر پای می‌دهد. حال اگر سبک زندگی مصرفی همچون مخدری قوی، جامعه‌ها را به اعتیاد بکشاند، دیگر افراد آن جامعه میزبی برای از دست دادن نخواهند داشت و اینجاست که جامعه کم‌طاقت و حریص، به خیال تمتع و حظ بیشتر، در ورطه «تکرار» خواهد افتاد!

\* فعال دانشجویی



**قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه**
**تشکل‌های دانشجویی، دانشجویان و طلاب محترم**
«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، بیانیه‌ها، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی یا سیاسی مرتبط با مقالات دانشجویی استقبال می‌کند.علاقه‌مندان می‌توانند فایل حرفه‌جویی شده مطالب مدنظر خود را به رایانه‌ها **Daneshgah@Kayhan.ir** یا نامبر ۰۲۱-۳۳۱۱۱۲۰۰ ارسال نمایند.دبدهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار متون رسالی، آزاد است.

همین چند وقت پیش بود که پوکیا امانو اعلام کرد آژانس به هر سائتی که در ایران نیامزد بازرسی باشد دسترسی دارد.
اظهار نظری که دولتمردان ایرانی بارها تکذیب و اعلام کرده‌اند اجازه هرگونه بازرسی سرزده با هر عنوانی را نمی‌دهند. اما خبر اخیر نمونه‌برداری بازرسان آژانس از دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت، نشان داد که دولت تدبیر و مسئولان سازمان انرژی اتمی تا چه اندازه در گنتار خود صداقت دارند!

در همین رابطه، بسیج دانشجویی دانشگاه‌های علم و صنعت، تهران، شهید بهشتی، صنعتی شریف، امام‌صادق(ع)، صنعتی امیرکبیر، صنعتی خواجه نصیر و علامه طباطبایی در اقدام متعراضه به ساخت علم و عالم در دانشگاه علم و صنعت بیانیه‌ای را خطاب به منصور غلامی وزیر علوم صادر کردند که در بندهایی از آن آمده است:

«در روزهای اخیر، فصل جدیدی در دیپلماسی ذلت گشوده شد.متأسفانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمسی و به عبارت دقیق‌تر جاسوس‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه طی اقدامی متعزضانه قسمت‌هایی از دانشگاه علم و صنعت ایران، از جمله دانشکده مهندسی برق را تحت بازرسی و نمونه‌برداری قرار دادند! این اقدام بدون اطلاع دانشگاهیان و همچنین با مشایعت برخی اساتید فتنه‌گر دانشگاه تحقق یافته است.تفتیش یک مرکز دانشگاهی توسط ماموران ذکر شده نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان و حتی کشورهای پذیرنده پروتکل الحاقی نیز اقدامی شگفت به حساب می‌آید. بازرسان آژانس تنها به بهانه مقاله پژوهشی یکی از دانشجویان این دانشکده به سمت دانشگاه سرازیر شده و به جای بازرسی از آزمایشگاه و دفتر استاد مربوطه، تعدادی از آزمایشگاه‌ها و دفاتر اساتید را مورد تفتیش قرار داده‌اند. طبق آذغان اساتید دانشکده برق، بسیاری از این اساتدان هنگام بازدید در دفتر خود حضور نداشته و این اقدام بدون اجازه آنان صورت گرفته است. حال آنکه تعدادی از قطعات فوق پیشرفته و راهبردی ساخته شده توسط اساتید در همین اتاق‌ها قرار داشته؛ اما علی‌الظاهر دیپلماسی سراسر حقارت دولت تدبیر، نظله‌ها را به دور از نظر جاسوس‌های بین‌المللی مستکبران باقی نگذاشته است.

آیا اگر قرار باشد نخبیگان ما به دلیل به کار بردن تنها یک کلمه با کاربرد مشابه در مقالات‌شان در کشور خود تحت بازرجویی قرار بگیرند، آنگاه دیگر استقلاللی برای کشور باقی می‌ماند؟! این کار با امضای لایحه کاپیتولاسیون چه تفاوتی دارد؟! صد البته این واقعیت به همگان روشن است که اساس نظام بازرسی‌های برجامی مورد تاکید غرب، تکمیل پازل اطلاعاتی از مراکز و توانمندی‌های

### دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir

**\* بازرسان آژانس با چه مجوزی وارد محیط آموزشی و علمی کشور می‌شوند؟! کدام ارگان اجازه ورود و نمونه‌برداری را صادر کرده است؟! آیا پیش از این هم بازرسی از دانشگاه دیگری در سکوت انجام شده است؟! بعد از علم و صنعت نوبت کدام دانشگاه است؟!**

# دانشگاه قربانی



# «کاپیتولاسیون هسته‌ای»!

چنین هتک حرمتی را به ماموران یاد شده و عوامل داخلی آنان نمی‌دانند، لذا در صورت تکرار چنین اتفاقی در این دانشگاه و سایر فضاهای دانشگاهی و تحقیقاتی کشور، دانشجویان در برخورد انقلابی با عوامل جاسوس کوچکترین مسلحتی را مدنظر قرار نخواهند داد.»

اما نقطه ایهام و سوال بی‌جواب اینجاست؛ بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که اجازه نزدیک شدن به سایت‌های نظامی ما را ندارند، با چه مجوزی وارد محیط آموزشی و علمی کشور می‌شوند؟! کدام ارگان یا سازمان اجازه ورود و نمونه‌برداری را صادر کرده است؟! آیا پیش از این هم بازرسی‌های مشابه دیگری در ایران انجام شده است؟! بعد از علم و صنعت نوبت کدام دانشگاه است؟!

از سوی دیگر، دفاتر بسیج دانشجویی دانشگاه‌های فوق‌الذکر در نامه گلایه امیز میدادند؛ خطاب به رئیس سازمان انرژی اتمی، اعتراض خود را نسبت به بی‌توجهی ریاست آن سازمان در قبال دستور مصرح رهبر انقلاب پیرامون از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ابراز داشتند؛ که در بخش‌هایی

از سوی دیگر، دفاتر بسیج دانشجویی دانشگاه‌های فوق‌الذکر در نامه گلایه امیز میدادند؛ خطاب به رئیس سازمان انرژی اتمی، اعتراض خود را نسبت به بی‌توجهی ریاست آن سازمان در قبال دستور مصرح رهبر انقلاب پیرامون از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ابراز داشتند؛ که در بخش‌هایی

# چشم امید دانش‌آموختگان به بازار نداشته کار!

**\* جمعیت غیرفعال ما حدود ۴۰ میلیون نفر است؛ اتفاقی که در جمعیت غیرفعال افتاده این است که ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر این جمعیت دارای تحصیلات عالیه هستند که این جمعیت غیرفعال نقش خاصی در توسعه کشور نداشته و رغبتی برای کار هم ندارند!**

۲۵ اردیبهشت ماه تا ۱۴ تیرماه به دانشگاه‌های سطح یک و دو مهلت داده شده بود تا برنامه‌های خود را پیرامون مهارت‌افزایی و اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان ارائه کنند. اما در جلسه گذشته

این زمان تا ۳۱ تیرماه تمدید شد. وی‌سا بیان اینکه یک نیازسنجی مبتنی بر برنامه‌های گذشته دانشگاه‌ها انجام داده‌ایم، اعلام کرده بود دانشجویان ما از جنبه تئوری مشکل جدی ندارند و در واقع به عبارتی مشکل مشکل آموزش نداریم، اما از جهت عملی در المپیادها هم معمولاً مدال نقره به دست می‌آوریم.

طبق اظهارات اینچنان، دانشجویان پس از دوره فراغت از تحصیل برای ورود به بازار کار دچار چالش می‌شوند. به عنوان مثال اگر یک فارغ‌التحصیل مهندسی عمران در کارگاهی

مشغول به کار شوند، مهارت‌های تکمیلی را دریافت نکرده‌اند؛ بنابراین فنون مذاکره، مدیریت ارتباطات و زمان از مباحث بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.
در واقع بسیاری از دانشجویان دغدغه اصلی خود پس از خروج از دانشگاه را نبود شغل مناسب برای خود می‌دانند و می‌گویند فضاهایی باید ایجاد شود تا دانشجویان پس از فراغت از تحصیل جذب بازار کار شوند و دانشگاه این امکان را ایجاد کند تا حداقل در شروع کار و برای کسب تجربه دانشجویان را در رشته‌های تخصصی خود به کار گیرد.

گاهی این معضل تا حدی راکگیر می‌شود که فارغ‌التحصیلان خروج از کشور و ادامه تحصیل و ورود به بازارکار در کشورهای خارجی را جزه

**به بهانه بازنشستگی اجباری دکتر گلشنی از دانشگاه شریف**

# حذف نخبگان به بهای سیاسی کاری؟!

**\* چند هفته پیش بود که رئیس دانشگاه تهران اعلام کرد که اساتید ممتاز آن دانشگاه از بازنشسته شدن معاف هستند. حال آنکه چرا به بهانه کپهولت نخبگان را از دانشگاه می‌رانند را باید از مسئولان آموزش عالی جویا شد!**

و هویتی است. اختلافی که به گفته وی به حدی عمیق بود که انجمن آثار و مفاخر ملی مراسمی را در اردیبهشت سال ۹۵ در بزرگداشت سال‌ها فعالیت علمی دکتر گلشنی به پا داشت و در آن از رئیس و معاون آموزشی دانشگاه دعوت کرده شده بود ولی هیچ‌کدام از آنها در این مراسم شرکت نکرده وارد کرد و گفت: «باید روسای نرفستادند، در صورتی که شاهد حضور این افراد در جشنواره‌ها و بزرگداشت‌هایی با شان پایین‌تر هستیم. ۳- دانشگاه و بلاخص گروه‌های علمی همانند فلسفه علم محل تضاد و تقاطع افکار است. اینکه نقدهای علمی و دانشگاهی را با سیاسی‌کاری در رسانه‌های عامه‌پسند پاسخ دهیم نشان‌دهنده عدم

که رئیس دانشگاه تهران اعلام کرد که اساتید ممتاز آن دانشگاه از بازنشسته شدن معاف هستند. تصمیمی که نشان‌دهنده اختیارات گسترده دانشگاه در زمینه تعدد فعالیت اساتید ممتاز بدون محدودیت زمانی است. پس چرا برای چنین شخصیت ممتازی آیین‌نامه فعالیت اساتید ممتاز اجرائی نشده است؟
۲- مروری بر سخنان دکتر گلشنی طی چند سال اخیر در حوزه آموزش عالی کشور و البته واکنش‌های رسانه‌ای گسترده بدان‌ها را باید ریشه این بازنشستگی اجباری دانست. تنگناهای مالی و اداری برای گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف و بی‌مهری نسبت به شان استادی دکتر گلشنی بیانگر اختلاف‌نظر سیاسی

صفحه ۸

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۷

۲۷ شوال ۱۴۳۹ - شماره ۲۱۹۴۹

مصرف داخلی نیز ندارد!

اگر سازمان متبوع شما اتهامی جدی برای فراهم کردن مقدمات غنی‌سازی ۱۹۰ هزار سو را دارد، صراحتاً بیسان فرمایید چه برنامه‌هایی را تاکنون برای اجرای فرمان رهبری انجام داده‌اید؟ برای ایجاد ۱۹۰ هزار سو چه تعداد از هر کدام از سائتریفیوژها و براساس کدام زمان‌بندی مشخصی قرار است تا غنی‌سازی ۱۹۰ هزار سوی ایران را انجام دهند؟ در همین راستا هنوز برآورد کامل و مشخصی از میزان ظرفیت معدنی اورانیوم کشور در دست نیست، سازمان انرژی اتمی برای اکتشاف و توسعه ظرفیت استخراج اورانیوم چه اقدامی را در دستور کار داشته و در آینده در نظر دارد؟

نیروی انسانی ماهر و متخصص سازمان که نقش کلیدی در راهاندازی فرآیند غنی‌سازی هسته‌ای ایفا کردند، اما به واسطه محدودیت‌های برنامه هسته‌ای در برجام اخراج شدند، سرمایه اصلی سازمان در پیشبرد و تحقق فرمان رهبری و پس از آن برنامه‌های توسعه غنی‌سازی کشور هستند. برنامه سازمان بعد از دستور رهبری برای بکارگیری این نیروها چیست؟ برجام تنها محدودیت‌هایی را در حوزه غنی‌سازی اورانیوم ایجاد کرده است، اما کاربردهای دیگر صلح امیز انرژی هسته‌ای در حوزه‌های کشاورزی، پزشکی، طراحی و ساخت پیشبرنان‌های اتمی ... محدودیتی ایجاد نشده و با این وجود، فعالیت در این حوزه‌ها محدود و متوقف شده است. حال سازمان فارغ از اقدامات نمایشی چه دستاوردهایی در حوزه‌های فوق فراهم آورده و برنامہ سازمان بعد از اجرای فرمان رهبری در حوزه‌های ذکر شده، چیست؟

حضرتهای نیک می‌دانید هم‌کنون که کشور در شرایط مهم و تاریخی به سر می‌برد وحدت و همدلی یاد شده از سوی مسئولین، تنها زمانی میسر خواهد شد که همگان و به ویژه مسئولین در مسیر مبارزه با استعمارگران و مستکبران جهانی، تمام همت خود را به کار گیرند و در این صورت است که عموم ملت از مسئولین خود در این مسیر قطعانه حمایت خواهند کرد. صرف رفتارهای تبلیغاتی و نمایشی بلافاصله بعد از بیانات رهبری از سوی شما سازمان متبوعات هم حیثیت کشور را در عرصه جهانی خدشه‌دار می‌کند و هم دستاوردهای حقیقی جوانان و شهدای هسته‌ای کشور را متزلزل می‌نماید. از طرفی پشتوانه کشور را در عبور از شرایط کنونی که تضعیف می‌کند.

در پایان لازم به ذکر است پاسخ به ابهامات ذکر شده می‌تواند افکار عمومی و به خصوص کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مربوطه را در مسیر تحقق فرمان رهبری اقتاع کند، و مردم خود نیز بهترین قضاوت‌ها را پیرامون عملکرد شما خواهند کرد.»

اعلام کرد: در حال حاضر ما بسا پدیده‌ها به نام بیکاری مواجه شده‌ایم که نوع آن دهه‌های گذشته متفاوت است.

وی با ارائه آماری از جمعیت تحصیل‌کرده کشور و بیکاران فارغ‌التحصیلان گفت: جمعیت در ایران به دو دسته فعال و غیرفعال تقسیم شده است، جمعیت فعال کشور چیزی در حدود ۲۳ میلیون نفر و جمعیت غیرفعال ما ۴۰ میلیون نفر است؛ اتفاقی که در جمعیت غیرفعال افتاده این است که ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر این جمعیت دارای تحصیلات عالیه هستند، که این جمعیت غیرفعال نقش خاصی در توسعه کشور ندارند؛ از این تعداد دانش‌آموخته حدود ۴ و نیم میلیون دانشجو هستند، با این حساب نزدیک به یک میلیون نفر کسانی هستند که دارای تحصیلات عالی هستند

و رغبتی برای کار هم ندارند.
در نهایت بازم به این حقیقت می‌رسیم که در حالی که تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هرسال رو به افزایش است، که بازار کار برای پذیرش این دانشجویان فراهم نیست و این مسئله چشم امیدیه به همکاری و همت مسئولین برای بهبود این وضعیت دوخته است.

انتظار قشمر فارغ‌التحصیل دانشگاهی از شرکت‌ها و صاحبان مشاغل آن است که به آن‌ها اعتماد و اطمینان داشته باشند و شرایط مسئولیت‌پذیری را برای آن‌ها فراهم کنند.

پرواضح است که استوار ماندن یک کشور به مسئولیت‌پذیری و اشتغال جوان وابسته است چراکه دربی آن فرصت آشنایی با بسیاری از موضوعات مرتبط با کشورشان آشنایی پیدا خواهند کرد.

نایب‌دینطور شرشری انتخاب کنیم، بنده عرض کردم اگر شاه معدوم را بیآوریم و شما آرنیس دولت تدبیراً را هم بیآوریم به شما می‌گویند بین من چه کسانی را در راس دانشگاه مثلا آریامهر (شریف کنونی) گذاشتم و شما چه کسانی را برگزیدید؟»

۴- واکنش دانشجویان به خبر بازنشستگی اجباری دکتر گلشنی نیز قابل توجه است. دانشجویان در گفتوگو با رسانه‌های مختلف ضمن ابراز تعجب از اعلام ناگهانی چنین تصمیمی اعلام کردند که به این تصمیم اعتراض دارند و اعتراض خود را از طریق جمع‌آوری امضا و ارسال نامه به رئیس دانشگاه و مراجع بالاتر برای اتخاذ تصمیمی دیگر اعلام خواهند کرد.

۵- بررسی نحوه بازنشستگی اساتید همرده دکتر گلشنی در دانشگاه صنعتی شریف و سایر دانشگاه‌های مهم کشور و همچنین آیین‌نامه‌های موجود برای حفظ شان اساتید ممتاز و چهره‌های ماندگار علمی نشان‌دهنده استفاده از حره بازنشستگی توسط مسئولان این دانشگاه در برابر نقدهای کاملاً دانشگاهی و از سر دغدغه علمی دکتر گلشنی است. اینکه منتقدان را با چوب بازنشستگی وادار به سکوت کنیم و از سوی دیگر دوستان خود را به هر وسیله‌ای در دانشگاه نگاه داریم، جامعه علمی کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

به نقل از خبرنامه دانشجویان: به نظر می‌رسد سیاست‌تور برخوردی وزارت علوم در نسبت با اساتید برجسته منتقد باعث بروز خلأ علمی بزرگ در آینده در دانشگاه‌های مادر خواهد شد. روندی که جامعه علمی کشور را به سمت رفتارهای جناحی و تند و بلوک‌بندی میان اساتید و نخبگان خواهد کرد که ناگفته بیادست همین اساتید و نخبگان جامعه علمی را بر زمین خواهد زد.